

سلمان فارسی مرتبی یا متربی

* محمود امیریان*

** فاطمه برمر**

*** نیما خوارزمی***

چکیده

از جمله شبهات مطرح اینک که برخی نقش اساسی در شکل‌گیری قرآن و تعلیم پیامبر را، حضور سلمان فارسی در کنار پیامبر دانسته‌اند. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به این شبهه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این شبهه علاوه بر این ادعایی بی‌دلیل است، وجود شباهت‌ها در ادیان مختلف را می‌توان معلول وحدت منشأ ادیان؛ یعنی وحی الهی دانست. همچنین اگر پیامبر الفاظ قرآن را از سلمان فرا گرفته بود، وحدت لسانی، فصاحت و بلاغت آیات قرآن، دلیل بر بطلان آن است؛ چراکه زبان او غیرعربی و غیرفصیح بود و اگر مقصود این است که محتوا را از سلمان گرفته، پیوستگی محتوایی و علو معارف قرآن از تعالیم موجود در دیگر کتب و ادیان، هرگونه تأثیرپذیری پیامبر را رد می‌کند. از سوی دیگر سلمان در مدینه مسلمان شده است درحالی که بیشتر قرآن در مکه نازل شده بود. جهل یا غرض‌ورزی نیز از علل مطرح شدن این‌گونه شبهات است. آگاهی سلمان از تورات و انجیل و اوستا که دچار تحریف و تناقضات متعدد است نیز نمی‌تواند توجیه‌گر معلمی وی برای پیامبر در آوردن معجزه قرآن که دارای معارف شگرفی است، باشد.

*. استادیار، گروه هیئات و معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران
m.amirian@malayeru.ac.ir

** کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی اسلامی، دانشکده هدی، fbarmar1362@gmail.com
*** نیما خوارزمی، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه معارف اسلامی، ni.kharazmi@gmail.com

واژگان کلیدی: سلمان فارسی، قرآن، مرئی، فصاحت و بلاغت قرآن، نزول قرآن، تعلیم پیامبر.

مقدمه

بیان مسئله

سلمان فارسی، از صحابه بزرگ پیامبر ﷺ در کودکی بعد از آموختن انجیل و آگاه شدن از محتوای آن که در دست راهبی آن را مشاهده کرد، به آئین مسیحیت گرائید. بعد از اینکه ۱۳ سال از بعثت گذشته بود در مدینه اسلام آورد. او در زمان عمر به حکومت مداین منصوب شد و در سال ۳۵ یا ۳۶ هجری درگذشت (ثقفی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۳). سلمان در ردیف یکی از جویندگان دین واقعی به شمار آمده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۶۰؛ بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۲۲). که بعد از آشنا شدن با انجیل، از کلیسایی که مردم را به این آئین فرامی خواند، سؤال نموده و به دنبال آن همراه راهبی به طور پنهانی از فارس خارج و کلیسای مورد نظر را در شام یافت (عاملی، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۱۴). جریان جستجوی سلمان از آئین واقعی با کم و بیش اختلافی در منابع تاریخی، روایی، تفسیری و غیره بیان شده است. شیخ صدوق و دیگران گفته اند سلمان از کسانی بوده است که به جستجوی دین حق و حجت خدا در روی زمین پرداخته و از دیار خویش خارج و به موصل، بیت المقدس، نصیبین و . . . مسافرت نموده و از نزد عالمی به محضر عالمی یا از نزد راهبی به محضر راهبی دیگر رفته و مدت ها با راهبان متعددی در موصل و بیت المقدس سپری کرده است تا اینکه راهبی در مورد ظهور دین حنیف و برخی نشانه های آورنده آن از قبیل داشتن مهر نبوت میان دوشانه خود، نپذیرفتن صدقه، پذیرش هبه، مکان بعثت، مکان هجرت، اطلاعاتی به سلمان داده است. او در بازگشت از سفر شام برای رسیدن به هدف خویش راهی سرزمین تهامه؛ یعنی مکه شده اما در مسیر، همسفرش گم و اسیر دو نفر از قبیله بنی کلب و در مدینه به یک یهودی فروخته می شود. وقتی بر رسول خدا ﷺ وارد شد حضرت به او فرمود: بشارت باد بر تو و صبر پیشه کن و بدان که به زودی از دست یهودی خلاص می شوی (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۶۱؛ طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۰؛ میلانی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۶؛ ترقی جاه، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۶۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۸۵).

سلمان نخستین فردی از ایران است که در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسلام آورد. به این پیشگامی در احادیث توجه شده و از امتیازات سلمان به شمار رفته است. ابوامامه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «انا سابق العرب الی الجنه و سلمان سابق فارس الی الجنه و صهیب سابق الروم الی الجنه و بلال سابق الحبشه الی الجنه؛ من پیشگام عرب به سوی بهشت، و سلمان پیشگام ایرانیان به سوی بهشت و صهیب پیشگام رومیان به سوی بهشت و بلال پیشگام حبشیان به سوی بهشت است (متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۱۱، ص ۳۱۶ و ۳۴۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۳۲۵)

از دیرباز دشمنان دین درصدد مبارزه با اسلام بودند و همواره با تیر شبهه قلب دین مبین را هدف قرار می‌دادند. یکی از این شبهات که قرآن کریم و تنها معجزه جاوید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را هدف قرار داده است، شبهه تعلیم قرآن کریم توسط برخی از افراد مانند سلمان فارسی است که از آغاز پیدایی اسلام این شبهه رخ نمود.

هر چند خداوند تبارک و تعالی در همان ابتدای کار خود به پاسخ این شبهه پرداخته است (نحل، ۱۰۳) اما در پژوهش‌های به عمل آمده چندان به این موضوع پرداخته نشده است. در خصوصیات و ویژگی‌های سلمان فارسی آثار متعددی نگاشته شده است اما در این موضوع خاص با جستجویی که انجام شد، جز یک مقاله یافت نشد. «ارزیابی ادعای تأثیرپذیری غیرمستقیم اسلام از آیین زرتشت در آموزه معاد»، به نویسندگی سید محمد حاجتی شورکی و حسین نقوی که در نشریه اندیشه نوین دینی، شماره ۵۰، ۱۳۹۶ ش، به چاپ رسیده است. این مقاله که به دیدگاه تأثیرپذیری اسلام از دین زرتشت می‌پردازد، به‌صورت مختصر به تأثیرپذیری اسلام از دین زرتشت با واسطه سلمان فارسی می‌پردازد.

مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به این شبهه است که آیا سلمان تربیت شده به دست اسلام و پیامبر اکرم است یا اینکه وی مربی پیامبر اکرم و کسی است که در آموزش و آوردن قرآن کریم کمک کار پیامبر بوده است؟

بیان شبهه

قرآن معجزه جاوید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و کتابی الهی است که دارای وجوه اعجاز متعددی است. در حقانیت دین مبین اسلام و فرستاده الهی حضرت محمد صلی الله علیه و آله تا روز قیامت وجود همین

یک معجزه کفایت می‌کند. از این رو شبهه در آن به نوعی شبهه در دین اسلام و فرستاده الهی است. به همین جهت از آغاز پیدایی دین اسلام دشمنان درصدد خدشه در آن بوده‌اند. از جمله شبهاتی که در آغاز ظهور اسلام مطرح شد و امروزه نیز برخی همان را تکرار می‌کنند، نقش سلمان فارسی در شکل‌گیری قرآن کریم و تعلیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سوی وی است.

برخی بر این باورند که آیات قرآن کریم توسط افرادی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعلیم داده می‌شد و او دارای معلمانی بود. برای همین در دوران حصر او در شعب ابی‌طالب، نزول آیات بر او به شدت کاهش یافت؛ چراکه دسترسی او به معلمانش کاهش یافته بود. در حالی که اگر آیات از طرف جبرئیل بود می‌بایست در این مدت هم بر او آیه نازل می‌شد.

سلمان فارسی به دلیل اطلاعات جامع در ارتباط با آیین‌های مسیحی، زرتشتی و بخصوص مانوی در شکل‌گیری قرآن نقش اساسی ایفا کرده است، به طوری که حتی در دوران خود محمد صلی الله علیه و آله نیز این سخنان در میان اعراب مکه و مدینه رواج داشته است که سلمان در آموختن قرآن به پیامبر دخیل بوده است.

حتی برخی از مستشرقان مانند درمنگهام فرانسوی تأثیر اشعار سلمان فارسی بر افکار پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز ادعا کرده است (شریعتی، ۱۳۸۴، ص ۴۸).

خاورشناس فرانسوی ماسینیون (Massignon) (۱۹۶۲م) که سال‌ها تدریس جامعه‌شناسی و اسلام‌شناسی را به عهده داشته و در سال ۱۹۱۳ در دانشگاه قدیمی مصر - تاریخ اصطلاحات فلسفی را تدریس کرده و سردبیر مجله جهان اسلامی و مطالعات اسلامی را در پاریس به عهده داشته است، در کتاب «سلمان پاک» نوشته است: «ضحاک - ابن مزاحم (م - ۱۰۲) از مفسرین تابعین - معتقد بوده که سلمان فارسی پیامبر را در اطلاع بر مطالب موجود در کتب ادیان سابق، کمک کرده است» (احمدیان، ۱۳۸۲، ص ۱۷۱).

به طور کلی عمده مستند کسانی که قرآن را الهام یافته از دست نوشته‌های پیشینیان می‌دانند، همگرایی شریعت اسلام در اصول کلی با ادیان پیشین است. «اسقف یوسف دره الحداد» می‌نویسد: قرآن از منابع مختلفی بهره برده که مهم‌ترین آنها کتاب مقدس به ویژه تورات است (دره الحداد، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۱۷۳ - ۱۸۸). هم‌چنین ادعا شده است که به جهت

شبهات مباحث اخروی دین اسلام با آیین زرتشت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این مباحث را از سلمان فارسی آموخته است (واعظ جوادی، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۲۲-۱۲۴).

پاسخ شبهه

پاسخ شبهه در ضمن چند مطلب ارائه می‌شود:

ادعای بی دلیل

اصل ادعای یادگیری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سلمان فارسی به جهت شبهات مباحث اخروی در دین اسلام و زرتشت، بی‌دلیل بوده و هیچ مستندی ندارد. بنابراین صرف احتمال نمی‌تواند دلیل بر صحت باشد.

وجود مشابهت در برخی از مسائل در بین دو دین به علت وجود منشأ مشابه در دو دین است، نه اینکه دین متأخر از دین قبلی متأثر بوده است، و آن علت واحد این است که همه ادیان الهی از سرچشمه واحد وحی الهی سرزیر شده‌اند. همه ادیان الهی در اصول واحد بوده و در برخی فروع اختلافاتی دارند. بنابراین چنین نیست که با آمدن پیامبر جدید تمام اصول و فروع آن با دین قبلی متفاوت باشد. ادیان متأخر در گوهر دین و کلیات با ادیان سابق مشترک هستند (حاجتی شورکی و نقوی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۶).

از این رو دلیل مشابهت اسلام و زرتشت اعم از مدعا است؛ زیرا وجود شبهات‌ها را می‌توان معلول وحدت منشأ ادیان آسمانی؛ یعنی وحی الهی دانست که ادله عقلی و نقلی قطعی این نکته را تأیید می‌کند، درحالی‌که تأثیرپذیری صرفاً یک حدس و گمان است و هیچ‌گونه دلیل عقلی و نقلی آن را پشتیبانی نمی‌کند.

آنچه سبب پندار تأثیرپذیری ادیان از یکدیگر شده، روش تجربی دین پژوهان غربی و انکار وحیانی بودن آموزه‌هایی مانند معاد است. اگر آنها وحی را منبعی مستقل در دریافت معارف آسمانی قبول کنند، در این صورت هر یک از پیامبران صاحب شریعت را در بیان مسائل مربوط به معاد و جهان آخرت مستقل دانسته، شبهات آنها را بر وحدت ادیان و یکی بودن فرستنده ادیان حمل می‌کنند (قدردان قراملکی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۰).

بنابراین از تشابه و تطابق محتوای اسلام و دین زرتشت در برخی آموزه‌ها نمی‌توان نتیجه گرفت که سلمان فارسی آموزه‌های دین زرتشت را به پیامبر اکرم آموخته باشد.



سلمان حقیقت جو

با توجه به داستان زندگی سلمان فارسی که در منابع معتبر اسلامی ذکر شده است، می‌توان گفت که او فردی حقیقت‌جو، خردمند و جویای دانش و دنبال دین واقعی بوده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۶۰؛ بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۲۲) برخی از جنبه‌های حقیقت‌جویی او بدین قرار است.

ترک زادگاه و دین اولیه: سلمان در خانواده‌ای زرتشتی در ایران متولد شد، اما به دلیل میل به حقیقت، از آیین زرتشتی دست کشید و به دنبال دین راستین راهی سفر شد. این نشان‌دهنده اراده قوی او برای یافتن حقیقت است.

جستجو و تحمل سختی‌ها: او سال‌ها در پی یافتن دین حق از شهری به شهر دیگر سفر کرد و با ادیان مختلفی آشنا شد. این سفرها با سختی‌های فراوانی همراه بود، اما او دست از تلاش برنداشت.

گرویدن به دین مسیحیت: سلمان که ابتدا به دین زرتشت بود به دست راهبی به دین مسیحیت گرایید (ثقفی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۳).

پذیرش اسلام

سرانجام، سلمان با پیامبر اسلام ﷺ آشنا شد و با بررسی دقیق آموزه‌های اسلام، به این دین گروید. او نه تنها مسلمان شد، بلکه به یکی از بهترین صحابه نزدیک و مورد اعتماد پیامبر تبدیل شد.

تلاش برای دانش

سلمان همواره به دنبال کسب دانش و آگاهی بود. سلمان دانشمندی وارسته بود که پیامبر خدا و حضرت علی علیه السلام از دانش فراوان وی یاد کرده‌اند. پیامبر اکرم می‌فرماید: سلمان عالم لایدرک؛ سلمان دانشمندی است که درک نمی‌شود (متقی هندی، ۱۴۱۹، ج ۱۱، ص ۲۹۵). نیز گروهی از حضرت علی علیه السلام از سلمان پرسیدند. حضرت فرمود: «أدرک سلمان العلم الأول والعلم الآخر، وهو بحر لا ینزح، وهو من أهل البیت، سلمان، علم أول و آخر را یافت و او، دریایی پایان ناپذیر و از ما اهل‌بیت علیهم السلام است (همان، ج ۱۳، ص ۱۱۱).

با توجه به زندگی‌نامه سلمان فارسی که ابتدا به دین زرتشت بوده و بعد به دین مسیحیت

گرویده است، چطور می‌توان باور داشت وی که به دنبال حقیقت بود و به همین خاطر به سوی یثرب مسافرت نمود، از دین الهی مسیحیت خارج شده و به دین اسلامی که خود برخی از آموزه‌های آن را به پیامبر آموخته است، گرایش پیدا کند و تا آخر عمر به همین دین باقی بماند؟ خارج شدن از دین الهی و داخل شدن به دینی که بشری است، برای فردی که دنبال حقیقت است، کاری غیرعقلانی و بعید است؛ بنابراین نمی‌توان نسبت به سلمان فارسی چنین زعم باطلی داشت.

فصاحت و بلاغت قرآن

مفسران و علمای دین در بحث اعجاز و تحدی قرآن به اثبات رسانیده‌اند که کلمات، محتوا و بافت قرآن، سخن خدا است (معرفت، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۸). زیرا اگر مراد از این شبهه این است که پیامبر ﷺ الفاظ قرآن را از اشخاص نام برده فرا می‌گرفته، وحدت لسانی، فصاحت و بلاغت آیات قرآن، دلیل بر بطلان آن است؛ چراکه زبان آنان غیرعربی یا غیرفصیح است و وقتی ادیبان خود عرب نظیر ولید بن مغیره و ... که در فصاحت و بلاغت سرآمد روزگار بودند اظهار عجز نمودند (سبحانی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۴۵؛ وحید خراسانی، ۱۳۸۸، ص ۶۷) و نتوانستند حتی یک سوره مثل قرآن بیاورند، چگونه سلمان فارسی می‌تواند معلم پیامبر ﷺ بوده و قرآن با این فصاحت و بلاغت و مشتمل بر معارف عالیه و اخلاق فاضله را بیاورد و یا به رسول خدا ﷺ تعلیم دهد؟ این سخن مثل این می‌ماند که امروزه کسی ادعا کند که شاهنامه فردوسی که حقیقتاً شاهکاری در زبان فارسی است را یک نفر یونانی به فردوسی آموزش داده باشد.. البته روشن است که این بعد و عدم توانایی به معنای محال عقلی نیست، بلکه عادتاً این کار نشدنی است.

اگر مراد شبهه‌کننده این است که پیامبر ﷺ محتوا را از سلمان غیرعرب گرفته است نه الفاظ را، پیوستگی محتوایی و علو معارف قرآن کریم و فاصله و بلندای آموزه‌های آن از تعالیم موجود در دیگر کتب و ادیان و مردم آن دوران، هرگونه تأثیرپذیری پیامبر ﷺ را از دیگران رد می‌کند.

به عبارت دیگر اگر منظور مشرکان از این تهمت این است که پیامبر اکرم ﷺ، الفاظ قرآن را از يك اعجمی و بیگانه از زبان عرب آموخته است، این نهایت رسوایی است. چنین انسانی

چگونه می‌تواند عباراتی این چنین فصیح و بلیغ بیاورد که صاحبان اصلی لغت همگی در برابر آن عاجز بمانند و حتی توانایی مقابله با يك سوره آن را نداشته باشند؟! و اگر منظورشان این است که محتوا و معانی قرآن را از يك معلم عجمی گرفته است، باز این سؤال پیش می‌آید که ریختن آن محتوا در قالب چنین الفاظ و عبارات اعجازآمیزی که همه فصحای جهان عرب در برابر آن زانو زدند، به وسیله چه کسی انجام شده است؟! آیا به وسیله يك فرد بیگانه از زبان عرب و یا به وسیله کسی که قدرتش ما فوق قدرت همه انسان‌ها است؛ یعنی خداوند متعال. از این گذشته محتوای این قرآن از نظر منطق نیرومند عقلی در زمینه عقائد و تعلیمات اخلاقی در زمینه پرورش روحيات انسان و قوانین جامع الاطراف اجتماعی در زمینه نیازهای مختلف، آن چنان است که ما فوق افکار بشر است و نشان می‌دهد که افتراگویان نیز گفتار خود را باور نداشتند، تنها برای شیطنت و وسوسه در دل‌های ساده‌اندیشان چنین سخنانی می‌گفتند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۴۰۹).

حقیقت این است که مشرکان عرب، کسی را در میان خود نمی‌یافتند که بتوانند قرآن را به او نسبت دهند، لذا دست و پا کردند بلکه بتوانند شخص ناشناسی را که زندگانش برای مردم آن سامان گنگ و مبهم است پیدا کنند و این مطالب را به او نسبت دهند شاید بتوانند چند روزی ساده‌دلان را اغفال کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۴۰۹).

پاسخ قرآن و زمان مسلمان شدن سلمان

این شبه ۱۴۰۰ سال پیش توسط کفار بعد از ناکامی آنان در برابر معجزه همیشگی رسول خدا ﷺ مطرح شد و آنها بعد از سحر (مدثر، ۲۴) و قصه دانستن قرآن کریم، (انعام، ۲۵) بیان کردند که محمد ﷺ آن را از دیگری دریافت می‌کند. خداوند متعال در رد آنها آیه نازل کرد: «وَلَقَدْ نَعَلْمُ أَتْنَهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يَعْلَمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِي، وَ هَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ، و ما می‌دانیم که آنان می‌گویند یقیناً بشری این قرآن را به وی درس می‌دهد، (فکر نکردند آخر) زبان آن کسی که [آموختن قرآن را به پیامبر] به وی نسبت می‌دهند غیر عربی است و این قرآن به زبان عربی فصیح و روشن است» (نحل، ۱۰۳).

بنابراین، از این اتهام مشرکین که پیامبر ﷺ پاره‌ای معلوماتش را از آهنگر رومی و مسیحی، عاشر رومی و یا سلمان فارسی که یکی از علمای فارسی زبان است و دانای به مذاهب و

ادبانه بوده است، گرفته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۹۵) خود قرآن جواب می‌دهد. علاوه بر این در خصوص سلمان فارسی باید گفت ایشان در مدینه و بعد از هجرت پیامبر ﷺ مسلمان شده است (ثقفی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۳؛ سیره ابن اسحاق، ص ۸۷). در حالی که بیشتر قرآن قبل از این تاریخ در مکه نازل شده بود و در این قسمت از قرآن تمامی آن معارف کلی اسلام، و داستان‌ها که در آیات مدنی هست، نیز وجود دارد، بلکه آنچه در آیات مکی هست، بیشتر از آن مقداری است که در آیات مدنی وجود دارد (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۵۱؛ ابن هشام، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۱۴؛ مقدسی، [بی‌تا]، ج ۵، ص ۱۱۰). آیه شریفه «وَلَقَدْ نَعَلْمُ...» نیز در سوره نحل قرار دارد که از سوره‌های مکی است (معرفت، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۳۶). بنابراین سلمان نمی‌توانسته بر معلومات پیامبر ﷺ بیفزاید و در شکل‌گیری قرآن نقش ایفا کند. چون از یک سو سلمان بعد از نزول قرآن مسلمان شده و از سوی دیگر تفاوت فاحشی میان انجیل، تورات و اوستا با چهره قدسی قرآن دیده می‌شود (طباطبائی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۶۳). روی این جهت به هیچ وجه نقش سلمان فارسی در شکل‌گیری قرآن به دلیل اطلاعاتی که از تورات و انجیل و اوستا داشته، قابل پذیرش نیست.

جهل یا غرض‌ورزی برخی مستشرقین

همانطور که گذشت ماسینیون خاورشناس فرانسوی در کتاب «سلمان پاک» نوشته است: «ابو جعفر طبری در تفسیر خود نقل می‌کند که ضحاک - ابن مزاحم از مفسرین تابعین - معتقد بوده که سلمان فارسی پیامبر را در اطلاع بر مطالب موجود در کتب ادیان سابق، کمک کرده است» (احمدیان، ۱۳۸۲، ص ۱۷۱).

این در حالی است که ضحاک تهمتی را که خود قرآن از کفار قریش بازگو نموده توضیح می‌دهد و می‌گوید کافران در آن افترا سلمان را منظور نموده‌اند. ابو جعفر طبری در تفسیر خود از عبید بن سلیمان نقل کرده که گفته است: «من از ضحاک شنیدم که آن کسی که کفار قریش به ناحق تعلیم قرآن را به او نسبت می‌دادند «لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ»؛ [چنین نیست که می‌گویند، زیرا] زبان کسی که [آموختن قرآن را به پیامبر] به او نسبت می‌دهید، غیر عربی است و این قرآن به زبان عربی فصیح و روشن است (نحل: ۱۰۳) سلمان فارسی بوده است». در صورتی که ماسینیون در کتابش می‌گوید ضحاک

گفته است سلمان فارسی پیامبر را در اطلاع بر مطالب موجود در کتب ادیان سابق، کمک کرده است و ضحاک نیز با کفار قریش در آن افترا هم رأی بوده است! (همان، ص ۱۷۲). ممکن است مستشرقان به انگیزه‌های متعددی دست به این‌گونه کارها بزنند. خوشبینانه‌ترین آنها جهل است؛ اما برخی نیز درصدد توطئه و با انگیزه اختلاف‌افکنی دست به این کار می‌زنند. از ترفندهای مستشرقان ایجاد تفرقه و دامن زدن به اختلافات مذهبی، قومی و سیاسی در میان مسلمانان است. البته این‌گونه اهداف را به‌صورت زیرکانه و با هنرمندی خاصی انجام می‌دهند. به‌عنوان مثال بحث تحریف قرآن کریم که یک بحث حاشیه‌ای بوده و امروزه عدم تحریف قرآن کریم بین شیعه و اهل سنت امری اتفاقی و اجماعی است، این بحث را مطرح می‌کنند و به اقوال شاذ پروبال می‌دهند. بزرگ‌نمایی مسائل جزئی و اختلاف‌انگیز و کتمان واقعیت مورد اتفاق، خود عامل مهمی در اختلاف بین ادیان و مذاهب است.

آگاهی سلمان از تورات و انجیل

اگر تأثیرپذیری پیامبر ﷺ و نقش سلمان در شکل‌گیری قرآن به این دلیل بوده که او به تورات و انجیل آگاهی داشته است. در پاسخ باید گفت اولاً در عصر نزول قرآن، کتاب و آئین تحریف نشده و دست نخورده وجود نداشته است. ثانیاً تورات و انجیل، در دسترس مردم را اگر با آنچه در قرآن هست مقایسه کنیم، خواهیم دید که تاریخ قرآن غیر از تاریخ آن کتاب‌ها، و داستان‌هایش غیر آن داستان‌ها است. در تورات و انجیل لغزش‌ها و خطاهایی به انبیا نسبت داده، که فطرت هر انسان معمولی متنفر از آن است و احدی این‌گونه جسارت‌ها را به یکی از عقلای قوم خود نمی‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۶۳). مثلاً در کتاب دوم سموئیل باب یازدهم، حضرت داوود صاحب کتاب زبور را متهم به زنا با زن شوهردار و تصاحب آن کرده است و در انجیل متی باب اول نسب حضرت عیسی را به این ازدواج رساندند (وحید خراسانی، ۱۳۸۸، ص ۷۸). اما قرآن ساحت انبیا را از این‌گونه اوهام و بلکه از هرگونه خطا و گناه منزّه می‌دارد. نیز دین زرتشت که دین سرزمین سلمان فارسی بوده تحریف شده است. علامه طباطبایی می‌گوید: «چیزی که هست تاریخ حیات زرتشت و زمان ظهور او بسیار مبهم است، به‌طوری که می‌توان گفت به کلی منقطع است. این قوم کتاب مقدس خود را در

داستان استیلای اسکندر بر ایران به کلی از دست دادند، و حتی یک نسخه از آن نماند، تا آنکه در زمان ملوک ساسانی مجدداً به رشته تحریر در آمد، و به همین جهت ممکن نیست بر واقعیت مذهب ایشان وقوف یافت» (طباطبایی، ۱۴۱۱، ج ۱۴، ص ۳۵۸) شهید مطهری نیز می‌گوید: «از نظر تاریخ، به روشنی معلوم نیست که آیا آیین زردشت، در اصل، آیینی توحیدی بوده است یا آیینی ثنوی؟ «اوستا»ی موجود، این ابهام را رفع نمی‌کند، زیرا قسمت‌های مختلف این کتاب، تفاوت فاحشی با یکدیگر دارد. بخش «وندیداد» اوستا صراحت در ثنویت دارد، ولی از بخش «گاتاها» چندان دوگانگی فهمیده نمی‌شود، بلکه بر حسب ادعای برخی از محققین، از این بخش، یکتائی استنباط می‌گردد. به علت همین تفاوت و اختلاف بزرگ است که اهل تحقیق معتقدند اوستایی که در دست است اثر یک نفر نیست، بلکه هر بخش آن از یک شخص است» (شهید مطهری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۸۹).

حال با توجه به قابل مقایسه نبودن فصاحت، بلاغت و علو محتوای قرآن با تورات، انجیل و اوستا و به عبارت دیگر ثنویت مجوس، تثلیث و تناقض نصاری و نسبت‌های ناروای یهود، چگونه سلمان فارسی به دلیل آگاه بودنش از این کتب تحریف شده توانسته مربی پیامبر خاتم النبیین ﷺ بوده و توان آوردن قرآن با این عظمت و قدرت آموزش آن را به پیامبر ﷺ داشته است؟ اگر وی چنین قدرتی داشته است، باید او خود پیامبر و بلکه بالاتر از پیامبر باشد و به جای اینکه این آموزه‌ها را به پیامبر اکرم ﷺ تعلیم دهد، بهتر نبود خود ادعای پیامبری می‌کرد؟ این در حالی است که سلمان فارسی حتی از کاتبان وحی نیز به شمار نیامده است تا چه رسد به تعلیم قرآن به پیامبر اکرم ﷺ.

ادعای نازل نشدن قرآن در شعب ابی طالب

کسی که اندک آشنایی با علوم قرآن داشته باشد، به این حقیقت می‌رسد که زمان دقیق نزول سوره‌ها و آیات روشن نیست و نمی‌توان ثابت کرد در مدت محاصره مسلمانان در شعب ابی‌طالب چه مقدار آیه نازل شده یا نشده است. با این نگاه نمی‌توان با قاطعیت گفت که در شعب ابی‌طالب چون رسول خدا به معلم خود دسترسی نداشت، آیاتی نیز بر آن حضرت نازل نشده است. علاوه بر اینکه آیات بسیاری از قرآن در دوران مکه نازل شده است که شامل دوران قبل، حین و بعد از محاصره شعب ابی‌طالب می‌شود. همچنین نزول قرآن کریم یک

فرایند پیوسته بوده است و به موقعیت مکانی یا زمانی خاصی محدود نبوده است. بنابراین، ادعای عدم نزول قرآن در شعب ابی طالب فاقد پشتوانه تاریخی و دینی است.

نتیجه

از پژوهش حاضر این نتایج به دست می‌آید:

۱. ادعای آموزگاری سلمان فارسی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ادعایی بدون دلیل است.
۲. سلمان همواره دنبال حقیقت بود و خارج شدن از دین الهی و داخل شدن به دینی که بشری است، برای فردی که دنبال حقیقت است، کاری غیرعقلانی است؛ بنابراین نمی‌توان نسبت به سلمان فارسی چنین زعم باطلی داشت.
۳. اگر مراد این است که پیامبر صلی الله علیه و آله الفاظ قرآن را از سلمان فرا گرفته، وحدت لسانی و فصاحت و بلاغت آیات قرآن، دلیل بر بطلان آن است؛ چراکه زبان او غیرعربی و غیرفصیح بود و اگر مقصود این است که محتوا را از سلمان گرفته است، پیوستگی محتوایی و علو معارف قرآن کریم از تعالیم موجود در دیگر کتب و ادیان، هرگونه تأثیرپذیری پیامبر صلی الله علیه و آله را از دیگران رد می‌کند.
۴. سلمان در مدینه و بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمان شده است درحالی که بیشتر قرآن در مکه نازل شده بود.
۵. جهل یا غرض‌ورزی برخی از شبهه‌افکنان عامل دیگری در مطرح شدن شبهه حاضر است.
۶. اگر سلمان فارسی واقعا معلم پیامبر صلی الله علیه و آله در نوشتن قرآن بود پس چرا خود، ادعای پیامبری نکرد و چرا کتاب‌هایی مانند قرآن به جامعه بشری ارائه نکرد؟
۷. آگاهی سلمان از تورات و انجیل و اوستا که دچار تحریف و تناقضات متعدد است، نمی‌تواند توجیه‌گر معلمی وی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آوردن معجزه بزرگ قرآن کریم که دارای معارف بلند و شگرفی است، باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن اسحاق، محمد، سیره ابن اسحاق، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، چاپ دوم، تهران: اسلامی، ۱۳۹۵ ق.
۳. ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویة، بیروت: دارالمعرفة، [بی تا].
۴. احمدیان، عبدالله، قرآن شناسی، تهران: احسان، ۱۳۸۲.
۵. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوة، ترجمه: مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
۶. ترقی جاه، حمید، ترجمه سیرة المصطفی، تهران: حکمت، ۱۴۱۲ ق.
۷. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، الغارات، ترجمه آیتی، چاپ دوم، تهران: ۱۳۷۴.
۸. حاجتی شورکی، سید محمد؛ نقوی، حسین، «ارزیابی ادعای تأثیرپذیری غیرمستقیم اسلام از آیین زرتشت در آموزه معاد»، اندیشه نوین دینی، ش ۵۰، ص ۱۳۱-۱۵۰، ۱۳۶۰.
۹. درة الحداد، یوسف، دروس قرآنیة، لبنان: منشورات المكتبة البولسیة، ۱۹۸۲ م.
۱۰. سبحانی، جعفر، الإلهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل، قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع)، ۱۴۱۳ ق.
۱۱. شریعتی، محمدتقی، وحی و نبوت در پرتو قرآن، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۴.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۱ ق.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه: موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، چاپ سوم، تهران: اسلامی، ۱۳۹۰.



۱۵. طبرسی، فضل‌بن‌حسن، **مجمع البیان**، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
۱۶. عاملی، جعفر مرتضی، **الصحيح من سيرة النبي**، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۶ق.
۱۷. قدردان قراملکی، محمدحسن، **پاسخ به شبهات کلامی**، دفتر دوم: دین و نبوت، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
۱۸. متقی هندی، علاء‌الدین، **کنز العمال في سنن الأفعال والأفعال**، تحقیق: محمود عمر الدمیاطی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، **بحار الأنوار**، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۰. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، چاپ یازدهم، تهران: صدرا، ۱۳۸۱.
۲۱. معرفت، محمد هادی، **التمهید فی علوم القرآن**، چاپ سوم، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۴۱۰ق.
۲۲. مقدسی، مطهربن‌طاهر، **البدء و التاريخ**، [بی‌جا]: مکتبه الثقافه الدینیه، [بی‌تا].
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.
۲۴. میلانی، سیدعلی، **نفحات الأزهار في خلاصة عبقات الأنوار**، قم: مهر، ۱۴۱۴ق.
۲۵. واعظ جوادی، اسماعیل، **آشنایی با آیین‌های بزرگ و دین توحیدی**، قم: اسراء، ۱۳۷۹.
۲۶. وحید خراسانی، حسین، **آشنایی با اصول دین**، چاپ دوم، قم: مدرسه امام باقر العلوم، ۱۳۸۸.
۲۷. ایمان سلیمانی امیری:
- <https://t.me/joinchat/AAAAAEIV1N4mjATPyQkHSg>
۲۸. شجاع‌الدین شفا، www.1400years.org